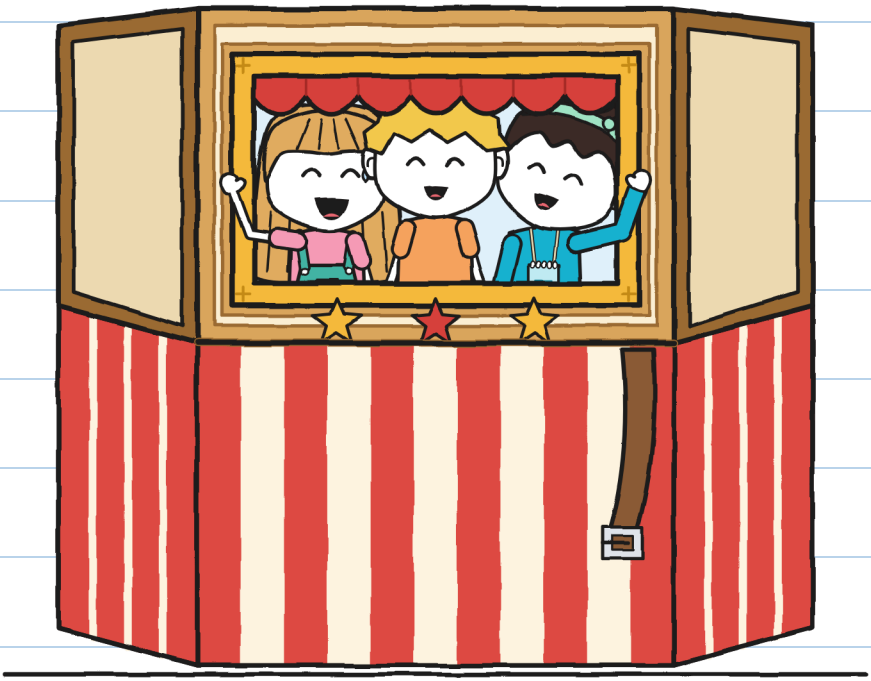
تحویل‌های غیرممکن ۶۰

یک جای سه‌نفره

LinguAula



(دفتر گاس)

اندازه XS
نوخوانان ۵۰+

تحویل‌های غیرممکن ۰ 6
یک جای سه‌نفره

متن و تصویرها: LinguAula

اندازه XS ۰ نوخوانان ۰ ۵+

نسخهٔ فارسی: LinguAula

چاپ اول: 2026

© 2026 LinguAula ۰ info@linguaula.com

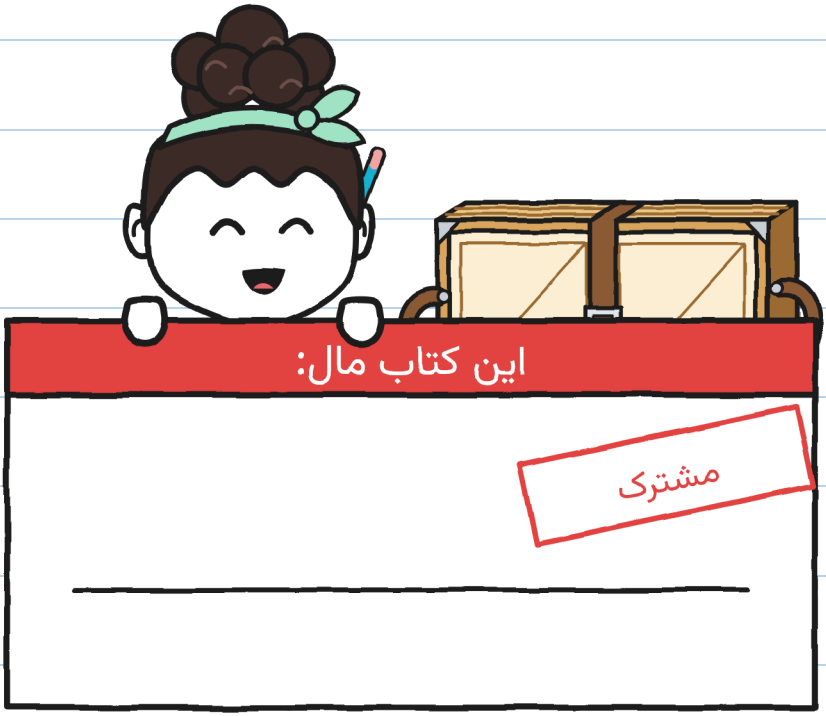
فتوکپی آن آزاد است، برای کلاس و برای خانه.

کتاب ششم از این مجموعه.

LinguAula

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن

این را سه نفر می‌برند. دسته‌ام را انتخاب کرده‌ام. — خ.



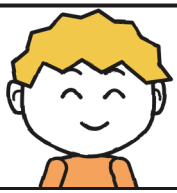
مشترک. جا می‌شویم. — خ.

اگر این را پیدا کردی، تاشده پس بده.

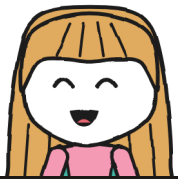
فقط در داستان

جدی. صفحهٔ ۷۶ را ببین. — خ.

کی کیست؟



گاس با سانتی‌متر اندازه می‌گیرد.



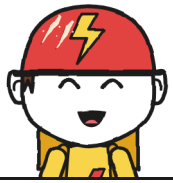
خولیتا راه را بلد است.



نوآ با قدم اندازه می‌گیرد.



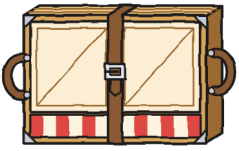
ایرن می‌گوید «ایست».



تونیو زمان می‌گیرد.



مارا بسته را قرض می‌دهد.



یک تئاتر تاشو.



ر. یک خط گذاشت.

دفتر تحویل ۶
مال گاس

مشترک.



دفتر ۵ تمام شد. این یکی نارنجی است.
یک کلمه نوشتم. نصف صفحه را خالی
گذاشتم. یک دقیقه هم خالی نماند.

در صفحهٔ اول تو نوشتم. – خ.

فصل 1

چرا سه نفر لازم است؟

دوشنبه از مدرسه بیرون آمدم. خولیتا
با یک پاکت فیروزه‌ای منتظرم بود.
خولیتا گفت: «بازش نمی‌کنم.»
تونیو گفت: «بیست و هشت دقیقه.»

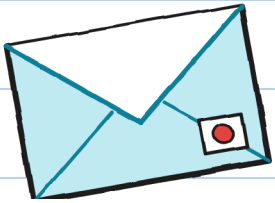


مال من نبود. سنگین بود. — خ.

مارا پاکت را باز می‌کند.

من ایرن هستم، از تئاتر.
یک خط کم است:
«تئاتر کوچک: در انتظار دریافت».
آیا نزد شماست؟
شنبه ۳۱: مسابقه.
اگر تاشده برسد،
با سه نفر، اضافش می‌کنم.
نوآ دو نفر دیگر می‌خواهد.

خوشبختم!
یکی را بیاور. — نوآ



«یکی که از بسته‌ها سر
دربیاورد». آن یکی من بودم.

ایرن و نوآ ساعت پنج آمدند.

خولیتا و نوآ همدیگر را بغل کردند. یازده ثانیه.

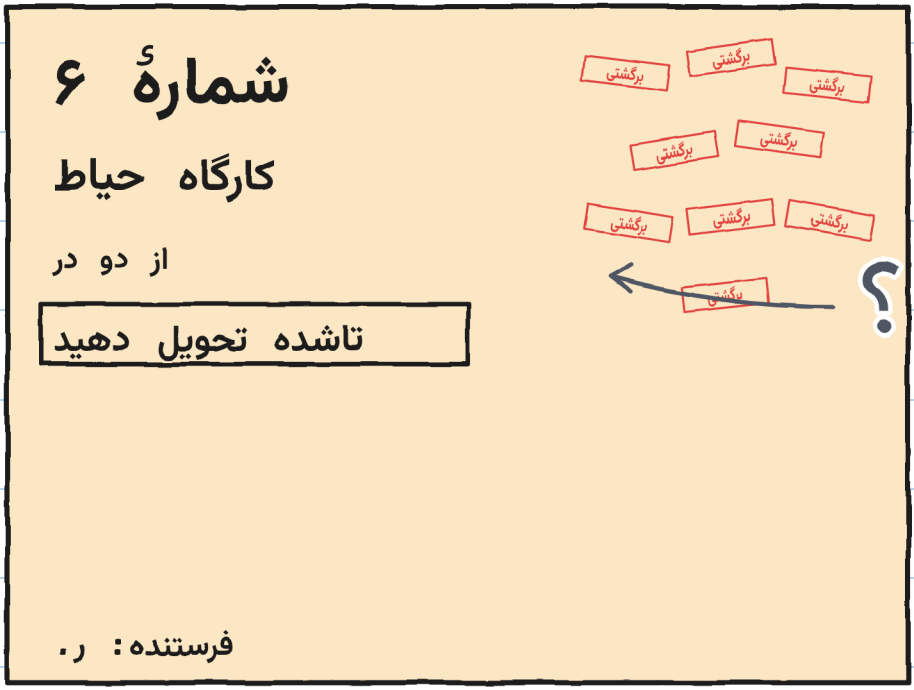
خولیتا گفت: «این گاس است.»

نوآ گفت: «سلام، گاس.»



مارا شمارهٔ ۶ را پایین آورد.

یک جعبه مثل همه.



خولیتا گفت: «نُه مُهر.»

نوآ گفت: «کدام دو در؟»

هیچ‌کس نمی‌دانست.

مارا گفت: «نُه بار بردمش. هیچ‌کس
برای یک کارگاه امضا نمی‌کرد.»
ایرن گفت: «تئاتر در حیاط تمرین می‌کند.»

ایرن یک برگه با مُهر نشان
داد. حالا کسی امضا می‌کند.

نُه تلاش مارا



خولیتا پرسید: «چرا مارا آن را نمی‌برد؟»

مارا گفت: «نُه بار بردمش.»

ایرن گفت: «بچه‌های من باید بتوانند.»

امانت

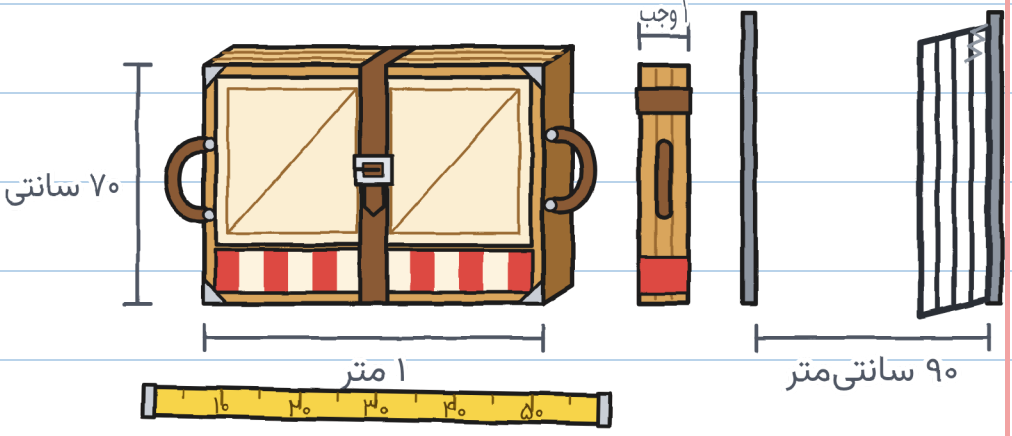
شماره ۶، امانت
با ایرن بیرون می‌رود.
تاشده برمی‌گردد.
این‌جا می‌خوابد.



در قفسه‌اش می‌خوابد. — خ.

سه‌شنبه به حیاط رفتیم. یک دروازه
هست. خودش بسته می‌شود.
تئاتر کوچک بیرون آمد و
بزرگ شد. من متر را درآوردم.

اندازه‌های شمارهٔ ۶

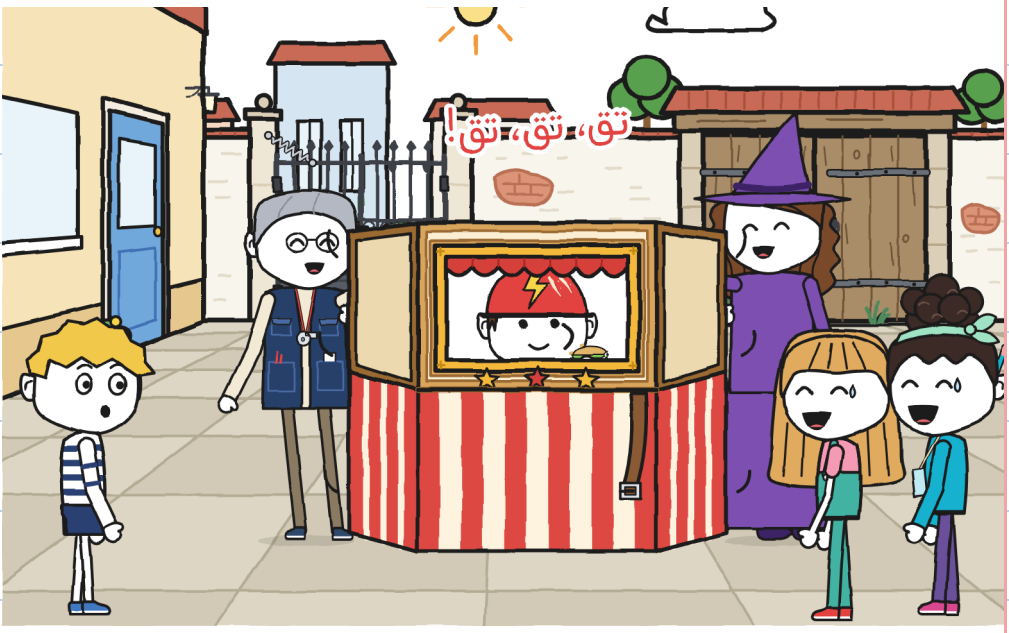


به پهلو جا می‌شد.

پانل‌ها خودشان باز شدند: تق، تق، تق.

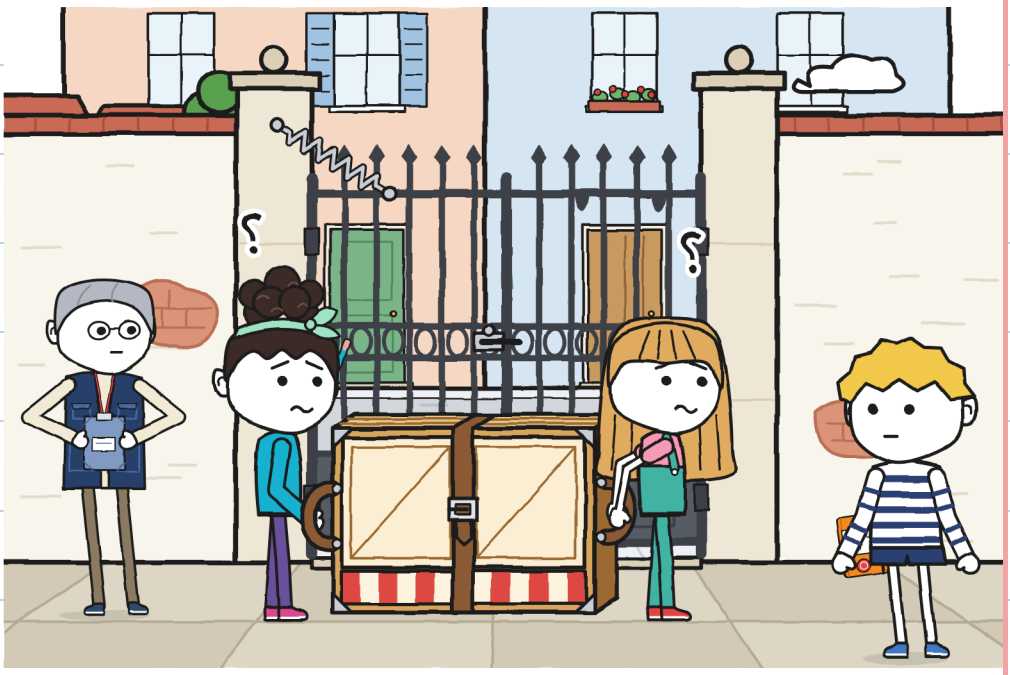
از پنجره تونیو دیده می‌شد.

ایرن گفت: «سالم است. دست‌ها
روی دسته‌ها، نه روی لولاها.»



ایرن و مارا تئاتر کوچک را تا کردند.

خولیتا گفت: «ما امتحان می‌کنیم.»
نوآ از قبل کنار آن دستهٔ دیگر بود.
بلندش کردند. به دروازه رسیدند. بسته بود.
دست‌های من خالی بود.



من دروازه را با پشتم نگه داشتم. رد شدند.

آن عصر سه‌سنج را اختراع کردم.

سه‌سنج

چه کسی چه می‌کند

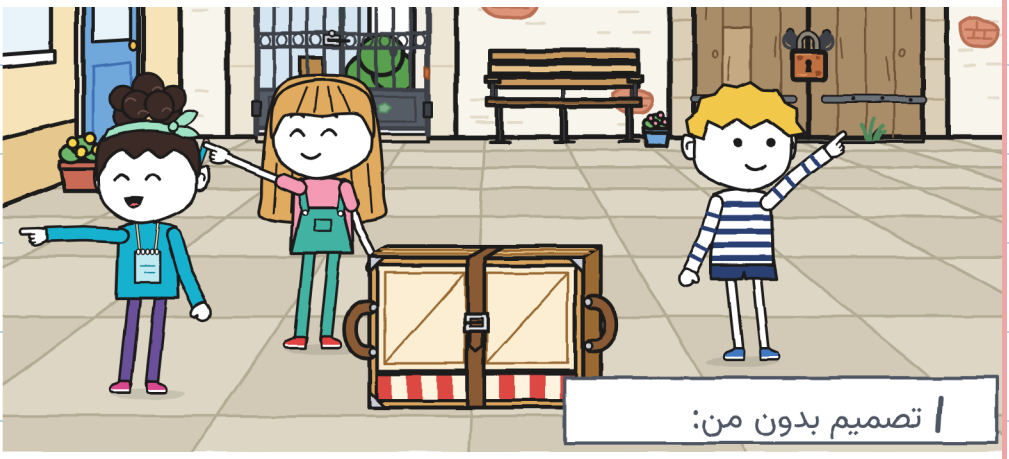
	حمل 	راهنمایی 	باز کردن راه 
حیاط، تلاش اول	خولیتا و نوآ	خولیتا و نوآ	
حیاط، تلاش دوم	خولیتا و نوآ	خولیتا و نوآ	گاس

خانهٔ خالی: رد نمی‌شود.

نوشتم: «یک دروازه را یک سنگ هم نگه می‌دارد».

هنوز باید برچسب را می‌فهمیدیم.
خولیتا گفت: «دو لنگهٔ دروازه‌اند.»
نوآ گفت: «بعدا.»

تنها رفتم. وقتی برگشتم، تصمیم
گرفته بودند. دهانم را بستم.



۱ تصمیم بدون من:

آن خط کوچک مال من بود. — خ.

یک داستان، شش اندازه

شش اندازه هست، از 3 تا 16 سال، و بیش از 20 زبان.

اندازه XXS · PRE-A1
گاس یک کلمه نوشت و جا گذاشت. آیا کلمهٔ «مشترک» را می‌بینی؟

اندازه XS · A1
یک کلمه نوشتم. نصف صفحه را خالی گذاشتم. یک دقیقه هم خالی نماند.

اندازه S · A2
در صفحهٔ اول یک کلمه نوشتم. نصف صفحه را خالی گذاشتم، برای هر احتمال. یک دقیقه هم خالی نماند.

اندازه M · B1
در صفحهٔ اول فقط یک کلمه نوشتم. نصف صفحه را خالی گذاشتم، برای هر احتمال. یک دقیقه هم خالی نماند.

اندازه L · B2
در صفحهٔ اول فقط یک کلمه نوشتم و نصف صفحه را خالی گذاشتم، برای هر احتمال. یک دقیقه هم خالی نماند.

اندازه XL · B2-C1
رمان مصور ۰ ۱۳+

سطح‌ها طبق چارچوب مرجع مشترک اروپایی تقریبی‌اند.

هر کس در اندازهٔ خودش. — خ.

برای خانواده‌ها و معلمان

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن